

راه تربیت نوجوان نمازخوان

خانواده به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی، خشت اول بنای تربیت دینی را می‌نهد.



خانواده به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی، خشت اول بنای تربیت دینی را می‌نهد.

به گزارش خبرنگار مهر، دوره نوجوانی به عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل رشد انسانی، نقطه عطفی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. در این دوران، نوجوان از لاک کودکی بیرون آمده و با روحیه‌ای پرسشگر و استقلال‌طلب، در پی یافتن جایگاه خود در جهان هستی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این هویت‌یابی، بُعد دینی و معنوی آن است. نماز به عنوان ستون دین و عالی‌ترین جلوه ارتباط انسان با خالق، نقش محوری در سلامت روانی و معنوی نوجوان ایفا می‌کند. با این حال، مشاهده می‌شود که گاهی رغبت و اشتیاق نوجوانان نسبت به اقامه نماز کاهش می‌یابد یا این فریضه را صرفاً به صورت یک عادت خشک و بی‌روح انجام می‌دهند. واکاوی چرایی این مسئله و بررسی راهکارهای جذب نوجوانان به نماز، نیازمند نگاهی عمیق و چندجانبه به عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و محیطی است. بر اساس متون پژوهشی و دینی مورد بررسی، فرآیند جذب نوجوان به نماز نه یک اقدام دستوری و لحظه‌ای، بلکه جریانی پیوسته، تدریجی و نیازمند هماهنگی میان نهادهای مختلف تربیتی است. در این نوشتار، با بهره‌گیری از منابع معتبر، به بررسی تفصیلی این عوامل و راهکارها می‌پردازیم.

بنیان‌های خانوادگی و نقش الگویی والدین

خانواده به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی، خشت اول بنای تربیت دینی را می‌نهد. تحقیقات نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از گرایش‌ها یا گرایش‌های مذهبی در نوجوانی، به تجربیات دوران کودکی و جو حاکم بر خانواده بازمی‌گردد. در متون تربیتی، از خانه به عنوان بستر اصلی «انتقال ارزش‌ها» یاد می‌شود، اما نکته کلیدی اینجاست که تربیت و آموزش نماز، صرفاً انتقال اطلاعات یا آموزش قرائت و ارکان نماز نیست؛ بلکه هدف اصلی، تغییر در جهان‌بینی و ایجاد شوق درونی است. والدین نقش «الگوهای عملی» را ایفا می‌کنند. نوجوانان بیش از آنکه به «گفتار» والدین گوش دهند، به «رفتار» آنان می‌نگرند.

زمانی که والدین خود با اشتیاق و در اول وقت به نماز می‌ایستند و در حین اقامه آن، آرامش و تواضع از وجناتشان پیداست، این پیام غیرمستقیم به فرزند منتقل می‌شود که نماز پناهگاهی امن و ارزشمند است. در مقابل، اگر والدین در توصیه به نماز سخت‌گیر باشند اما خود در عمل کاهلی کنند، یا نماز را با شتاب و بی‌حوصلگی بخوانند، بذر تضاد و دوگانگی را در ذهن نوجوان می‌کارند. تضاد میان گفتار و رفتار، سمی مهلک برای تربیت دینی است. علاوه بر این، روابط عاطفی حاکم بر خانواده نیز بر این روند تأثیرگذار است. اگر فضای خانه آکنده از محبت، احترام و آرامش باشد، فرزندان ناخودآگاه ارزش‌های والدین محبوب خود را درونی می‌کنند. به عبارت دیگر، همانندسازی با والدین، مکانیزمی روانی است که طی آن نوجوان دوست دارد شبیه کسانی شود که به آن‌ها عشق می‌ورزد. بنابراین، والدین باید پیش از دعوت به نماز، پل‌های عاطفی مستحکمی با فرزندان خود بنا کنند. اگر رابطه والد و فرزند مخدوش باشد، دعوت به دین نیز با مقاومت روبرو خواهد شد.

همچنین در منابع دینی تأکید شده است که والدین باید از روش‌های «تغافل» و «مدارا» استفاده کنند. سخت‌گیری‌های بیش از حد، سرزنش‌های مداوم و تبدیل کردن نماز به ابزاری برای تنبیه یا مج‌گیری، نه تنها جاذبه‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه موجب دل‌زدگی و فرار نوجوان از دین می‌شود. هنر والدین در این است که نماز را با خاطرات شیرین و تجربه‌های لذت‌بخش در محیط خانه گره بزنند.

مدرسه و نظام آموزشی؛ فراتر از تکلیف‌مداری

پس از خانواده، مدرسه دومین رکن اساسی در شکل‌دهی به نگرش‌های مذهبی نوجوانان است. با این حال، آسیبی که گاه در نظام آموزشی مشاهده می‌شود، نگاه «تکلیف‌مدارانه» و «بخشناه‌ای» به مسئله نماز است. اگر نماز در مدرسه صرفاً به عنوان یک قانون انضباطی یا وظیفه‌ای خشک مطرح شود که عدم انجام آن جریمه به دنبال دارد، روح معنوی آن قربانی می‌شود. مدرسه باید محیطی باشد که در آن نماز به عنوان پاسخی به نیازهای فطری و روحی دانش‌آموز معرفی گردد، نه باری بر دوش او.

یکی از عوامل مؤثر در جذب دانش‌آموزان به نماز در محیط مدرسه، رفتار کادر آموزشی و مدیران است. زمانی که مدیر مدرسه،

معلمان محبوب و مربیان پرورشی خود در صف اول نماز جماعت حاضر می شوند و با اشتیاق در کنار دانش آموزان قرار می گیرند، اثر تربیتی آن به مراتب بیش از صدها ساعت سخنرانی است.

حضور صمیمانه معلمان در نمازخانه، بدون ایجاد سلسله مراتب خشک اداری، فضایی از همدلی و معنویت ایجاد می کند. علاوه بر این، فیزیک و فضای نمازخانه مدرسه نیز نقش مهمی در «خاطره سازی» دارد. نمازخانه ای که تمیز، خوش بو، زیبا و دارای تهویه مناسب باشد، ناخودآگاه حس احترام و آرامش را القا می کند. در مقابل، نمازخانه هایی که در زیرزمین ها، فضاهای متروک یا محیط های نامرتب برپا می شوند، پیام بی اهمیتی نماز را به ذهن حساس نوجوان مخابره می کنند.

نکته مهم دیگر در محیط های آموزشی، پاسخگویی به «شبهات» و «پرسش های» نوجوانان است. نوجوانی فصل بیداری عقل و تفکر انتزاعی است.

آن ها دیگر پذیرای دستورات تعبدی صرف نیستند و مدام می پرسند «چرا باید نماز بخوانیم؟»، «نماز چه فایده ای برای خدا دارد؟» یا «چرا باید به زبان عربی بخوانیم؟».

اگر مربیان و معلمان دینی نتوانند با زبانی منطقی، استدلالی و در عین حال صمیمانه به این پرسش ها پاسخ دهند، دیواری بی اعتمادی و تردید میان نوجوان و دین کشیده می شود. تبیین فلسفه نماز، اسرار معنوی آن و آثار کارکردی اش در زندگی فردی و اجتماعی (مانند آرامش روانی، انضباط، دوری از گناه وhellip;) می تواند انگیزه درونی نوجوان را بیدار کند. در واقع، مدرسه باید گذرگاه عبور از «عادت» به «معرفت» باشد.

پاسخ به نیازهای شناختی و عاطفی: از اجبار تا انتخاب آگاهانه

برای اینکه نماز در عمق جان نوجوان ریشه دواند، باید دو بال «شناخت» و «احساس» به طور همزمان تقویت شوند. در بُعد شناختی، همان طور که اشاره شد، نوجوان نیازمند درک چرایی اعمال است. متون دینی و روانشناسی بر این نکته اشتراک نظر دارند که آگاهی بخشی باید متناسب با سطح درک مخاطب باشد. صحبت از جهنم و عذاب برای نوجوانی که تشنه محبت و امید است، شاید کارساز نباشد؛ در عوض، معرفی خداوند به عنوان دوستی مهربان، پشتیبانی قدرتمند و منبع بی پایان انرژی مثبت، تصویری جذاب از نماز به عنوان «گفتگو با محبوب» ترسیم می کند. باید به نوجوان آموخت که نماز، نیاز ماست نه نیاز خدا؛ همچون مسافری که برای ادامه مسیر به آب و غذا نیاز دارد، روح انسان نیز برای تعادل و آرامش در دنیای پرهیاهوی امروز، نیازمند اتصال به منبع لایزال الهی است.

در بُعد عاطفی و هیجانی، مفهوم «خاطره سازی» اهمیت ویژه ای می یابد. انسان فطرتاً به زیبایی گرایش دارد. استفاده از زیبایی های بصری و شنیداری در امر نماز می تواند جاذبه فوق العاده ای ایجاد کند. صدای دلنشین مؤذن، سجاده های زیبا، عطرهای خوشبو و برگزاری جشن های تکلیف باشکوه و معنادار (نه صرفاً تشریفاتی)، همگی می توانند «تداعی های مثبت» نسبت به نماز ایجاد کنند. وقتی تجربه نماز با حس زیبایی شناسی و لذت همراه شود، رغبت به تکرار آن افزایش می یابد.

از سوی دیگر، پرهیز از «اجبار و اکراه» اصلی بنیادین است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «لا اکراه فی الدین». اجبار ممکن است منجر به اطاعت ظاهری و موقت شود، اما در باطن، کینه و نفرت تولید می کند که در اولین فرصت آزادی، به صورت ترک کامل نماز نمود می یابد. راهکار جایگزین، «تشویق» و «تسهیل» است.

تشویق نباید شکل رشوه به خود بگیرد، بلکه باید تأییدکننده رفتار مثبت باشد. توجه به تلاش های نوجوان، حتی اگر نمازش هنوز کامل نیست، و پرهیز از خرده گیری های مکرر بر جزئیات، باعث می شود او احساس کفایت و موفقیت کند. اصل «تدریج» نیز در اینجا حیاتی است؛ نباید انتظار داشت نوجوانی که تازه در آغاز راه است، همچون عارفی وارسته نماز بخواند. پذیرش نوسانات روحی او و همراهی صبورانه، کلید موفقیت است.

همسویی نهادهای تربیتی و نقش رسانه

در نهایت، باید توجه داشت که نوجوان در جزیره زندگی نمی کند. او به طور همزمان تحت تأثیر خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه های جمعی است. اگر میان این نهادها «هماهنگی» وجود نداشته باشد، تلاش های یک بخش توسط بخش دیگر خنثی می شود. برای مثال، اگر خانواده بر نماز تأکید کند اما رسانه و الگوهای سلبریتی نوجوان، ارزش های دیگری را ترویج کنند، نوجوان دچار تعارض می شود. رسانه ها می توانند با تولید آثار هنری جذاب، غیرمستقیم و هنرمندانه، زیبایی های نیایش و آرامش حاصل از آن را به تصویر بکشند، بدون اینکه دچار شعارزدگی شوند.

همچنین، جامعه باید محیطی مساعد برای اقامه نماز فراهم کند. وقتی در فضاهای تفریحی، پارک ها و مراکز خرید، مکان های مناسب و دسترسی آسان برای نماز وجود داشته باشد و زمان بندی برنامه های اجتماعی با اوقات نماز تداخل نداشته باشد، «هزینه» اقامه نماز برای نوجوان کاهش می یابد. ایجاد فضای فرهنگی که در آن نماز خواندن یک «ارزش اجتماعی» و مایه مباهات باشد (نه سبب تمسخر یا انگشت نما شدن)، به تقویت اعتماد به نفس نوجوان نمازگزار کمک می کند.

رغبت نوجوانان به نماز، محصول تعامل پیچیده عوامل شناختی، عاطفی و محیطی است. برای نهادینه سازی این فریضه الهی، باید از روش های دستوری و تک بعدی فاصله گرفت. خانواده با ایجاد فضایی سرشار از محبت و ارائه الگوی عملی، مدرسه با تبیین عقلانی و ایجاد محیطی پرنشاط، و رسانه با فرهنگ سازی هنرمندانه، اضلاع مثلث تربیتی را تشکیل می دهند.

کلید طلایی در این مسیر، «تبدیل تکلیف به نیاز» و «پیوند زدن نماز با تجربیات خوشایند و معنادار» است. تنها در صورتی که نوجوان نماز را پناهگاهی برای آرامش و نردبانی برای رشد خود بباید؛ و نه صرفاً وظیفه ای تحمیلی؛ می تواند انتظار داشت که این ستون دین در عمق جان او استوار گردد و در طوفان های دوران بلوغ و پس از آن، دستگیر و راهنمای او باشد.